

بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و تحقق شاخص‌های حکمرانی خوب در راستای رشد و توسعه اقتصادی ایران

علی رضایی^۱، * طهماسب مظاهری^۲، مجید توسلی رکن‌آبادی^۳

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استادیار و عضو گروه مدیریت مالی و بیمه، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، ایران

۳. دانشیار و عضو گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

(دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۸ پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱۵)

Investigating the Relationship between Central Bank Independence and Realization of Good Governance Indicators in Iran's Economic Growth and Development

Ali Rezaei¹, * Tahmasb Mazaheri², Majid Tavasoli Roknabadi³

1. Ph.D. Student of Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Assistant Professor of Management and Insurance Department, University of Tehran, Iran

3. Associate Professor of Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran

(Received: 19/July/2019 Accepted: 6/Aug/2019)

Abstract:

Political and economic policymakers believe that the development of good governance plays a key role in the political and economic development of countries. Therefore, it is important to identify the effective factors on the efficiency of good governance in order to adopt appropriate policies for promoting the political and economic system, because through the promotion of good governance, economic growth can be achieved. According to the views of institutionalist economists, one of the factors influencing institutional development is the independence of the Central Bank. Central Bank autonomy, through the creation of institutional structures and institutions, changes the other variables, such as state financial discipline, increased transparency and accountability, and these mechanisms help to improve good governance. In this study, the relationship between central bank independence and good governance indicators using GMM method and correlation coefficient during the period of 2002 to 2015 were investigated. In this research, the International Risk Management Index (ICRG) has been used as a good governance indicator, which includes ranking 22 variables in three sub-categories of different political risk, financial risk and economic risk, and the Mathew Index (2006) has been used as an indicator of the independence of the central bank. The Central Bank's Independence Index has been analyzed in three areas of monetary policy independence, political independence and financial independence. The findings of the research showed that the independence of the central bank has a significant effect on good governance, so that the increase in the independence of monetary policy, political independence and financial independence leads to a decrease in political, financial and economic risk.

Keyword: Central Bank Independence, Good Governance, Political Risk, Economic Risk, Financial Risk.

JEL: C49, F23, O47.

چکیده:

سیاست‌گذاران سیاسی و اقتصادی معتقدند توسعه حکمرانی خوب نقش کلیدی در توسعه سیاسی و اقتصادی کشورها بازی می‌کند. لذا شناسایی عوامل مؤثر بر کارایی حکمرانی خوب به منظور اتخاذ سیاست‌گذاری‌های مناسب برای ارتقاء نظام سیاسی و اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد؛ چرا که از طریق ارتقاء حکمرانی خوب می‌توان به رشد و پیشرفت اقتصادی رسید. بر اساس نظریات اقتصاددانان نهادگرا، یکی از عوامل مؤثر بر توسعه نهادی، استقلال بانک مرکزی می‌باشد. استقلال بانک مرکزی از طریق ایجاد ساختارها و ساز و کارهای نهادی، باعث تغییر در متغیرهای دیگری نظیر انضباط مالی دولت، افزایش شفافیت اقتصادی و پاسخگویی می‌شود و این ساز و کارها به بهبود حکمرانی خوب کمک می‌کنند. در این پژوهش رابطه بین استقلال بانک مرکزی و شاخص‌های حکمرانی خوب با استفاده از روش *GMM* و ضریب همبستگی طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق از شاخص راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها (*ICRG*) به عنوان شاخص حکمرانی خوب استفاده شده که شامل رتبه‌بندی ۲۲ متغیر در سه زیرگروه مختلف ریسک سیاسی، ریسک مالی و ریسک اقتصادی بوده و از شاخص متیو (۲۰۰۶) به عنوان شاخص استقلال بانک مرکزی استفاده شده است. این شاخص استقلال بانک مرکزی را در سه حوزه استقلال سیاست پولی، استقلال سیاسی و استقلال مالی مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان داد استقلال بانک مرکزی اثر معنی‌دار بر حکمرانی خوب دارد به گونه‌ای که افزایش در استقلال سیاست پولی، استقلال سیاسی و استقلال مالی موجب کاهش در ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: استقلال بانک مرکزی، حکمرانی خوب، ریسک

سیاسی، ریسک اقتصادی، ریسک مالی.

طبقه‌بندی JEL: C49, F23, O47.

* نویسنده مسئول: طهماسب مظاهری

E-mail: tmazaheri@ut.ac.ir

*Corresponding Author: Tahmasb Mazaheri

۱- مقدمه

توسعه اقتصادی و افزایش رفاه جامعه یکی از اهداف اصلی علم اقتصاد است. نظریات جدید توسعه بر اهمیت نهادها^۱ و حکمرانی خوب^۲ در تقویت بخش خصوصی و نیل به توسعه اقتصاد تأکید دارند. بر این اساس، سازوکارهای نهادی که منجر به بهبود کیفیت حضور دولت در اقتصاد باشد، از طریق حکمرانی خوب به تقویت حضور بخش خصوصی و دستیابی به اهداف توسعه‌ای کمک می‌کند (احمدپور و دهمرده، ۱۳۹۸: ۲۰). استقلال بانک مرکزی، یکی از سازوکارهای نهادی طراحی شده در این زمینه است.

بر اساس سند چشم‌انداز در پایان برنامه ۲۰ ساله و در افق ۱۴۰۴، ایران کشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده در روابط بین‌الملل خواهد بود. بدهی است که دست‌یابی به این امر نیازمند رشد بالای اقتصادی و کاهش نوسانات اقتصادی است. در ادبیات جدید پولی بیان می‌شود استقلال بانک مرکزی یک ابزار برای دستیابی به ثبات در اقتصاد و افزایش رشد اقتصادی است.

اگر سیاست‌گذاران پولی تحت فشارهای سیاسی الزام‌آوری قرار گیرند تا طبق گرایش‌های دولت عمل کنند، دولت به سهولت به منابع مالی مورد نیاز برای جبران کسری‌هایش دسترسی پیدا می‌کند. از طرفی استقراض دولت باعث بالا رفتن نرخ‌های بهره و از این طریق موجب رکود اقتصادی، کاهش مالیات‌ها و درآمدهای حاصله می‌شود؛ بنابراین بانک مرکزی مستقل که از نظام سیاسی جدا باشد، دارای مزایای متعددی در برقراری ثبات قیمت‌ها و نظام اقتصادی سالم خواهد بود. هدف اصلی از استقلال بانک مرکزی این است که بانک مرکزی در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اقتصادی از دولت یا سایر گروه‌های ذینفع مستقل باشد.

در ارتباط با وضعیت استقلال بانک مرکزی دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه نخست مربوط به هواداران استقلال بانک مرکزی است. در این دیدگاه استدلال می‌شود که تبعیت سازمانی بانک مرکزی از مقامی خارج از بانک، عامل اختلال در عملکرد صحیح آن است. برای مثال، قرار گرفتن بانک مرکزی

در حوزه نفوذ وزارت امور اقتصادی و دارایی باعث می‌شود زمانی که سیاست‌های مالی در تناقض با اهداف سیاست‌های پولی قرار دارد بانک مرکزی نتواند به طور مؤثری اهداف سیاست‌های پولی را دنبال کند.

در مقابل، مخالفان استقلال کامل بانک مرکزی مدعی‌اند اگر در یک نظام سازمان‌های مختلف اقتصادی به گونه‌ای مستقل عمل کنند، آنگاه هر یک از این سازمان‌ها صرفاً منافع خود را در نظر می‌گیرد، نه منافع کل نظام را. به عبارت دیگر مجموع اقتصاد کشور از استقلال بانک مرکزی بهره نمی‌برد و استقلال بیشتر بانک مرکزی لزوماً نتیجه بهتری عاید کل اقتصاد نمی‌کند. حتی اگر فرض شود که سیاست پولی مستقل از سیاست‌های مالی عملکرد بهتری در کنترل تورم دارد، دلیلی بر آن نیست که استقلال بانک مرکزی همواره برای مجموعه اقتصاد کشور بهینه باشد (زرین اقبال و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵).

هدف اصلی این مقاله، بررسی ارتباط بین استقلال بانک مرکزی و شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران می‌باشد که برای تحقق این هدف، شاخص‌های اندازه‌گیری استقلال بانک مرکزی و شاخص‌های حکمرانی خوب معرفی شده و سپس ارتباط آن بررسی می‌شود. هر چند در باب حکمرانی خوب تحقیقات گسترده‌ای انجام شده اما تفاوت این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها علّت اثرگذاری از استقلال بانک مرکزی به حکمرانی خوب و همچنین شاخص‌های به کار گرفته شده در حکمرانی خوب است که کمتر در تحقیق‌های پیشین مورد استفاده قرار گرفته است. پس از مقدمه، در بخش دوم، مبانی نظری استقلال بانک مرکزی و شاخص‌های حکمرانی خوب و همچنین پیشینه تحقیق بیان شده، در بخش سوم و چهارم به ترتیب به نحوه اندازه‌گیری متغیرها و دوره زمانی و روش اقتصادسنجی اشاره می‌گردد. در قسمت پنجم یافته‌های تجربی ارائه گردیده و در نهایت، این پژوهش با نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها به پایان می‌رسد.

۲- ادبیات موضوع

به طور کلی منظور از استقلال بانک مرکزی، آزادی عمل این نهاد در اعمال سیاست‌های پولی و استقلال آن از تأثیرات سیاسی و دولتی است. معمولاً این استقلال به دو بخش عمده تقسیم می‌شود. یکی استقلال خصوصیات نهادی بانک مرکزی است که آن را به صورت نهادی جدا از نهاد دولت در می‌آورد

1. Institution
2. Good Governance

استقلال بانک مرکزی در هزینه‌کرد و نحوه پرداخت بانک مرکزی به کارکنان خود است، در این دیدگاه استقلال مالی این مسئله مورد بررسی قرار می‌گیرد که بودجه بانک مرکزی توسط چه نهادی مشخص می‌شود. در برخی از مطالعات نیز استقلال مالی به توانایی بانک مرکزی در کنترل سیاست پولی و تأمین نکردن کسری بودجه دولت اشاره دارد (شری و هنسون^۷، ۲۰۰۵: ۴۱)

استقلال سیاسی به صورت توانایی بانک مرکزی در تعیین اهداف سیاست پولی به صورت مستقل و بدون دخالت دولت تعریف می‌شود. عوامل تعیین کننده این نوع استقلال در استقلال شخصی (به عنوان مثال فرایند تعیین و عزل روسای بانک مرکزی و طول دوره ریاست)، حق دولت در دستور دادن به بانک مرکزی و حق وتوی دولت در تصمیم‌گیری‌های بانک مرکزی، به تعویق انداختن یا تغییر تصمیمات بانک مرکزی و حق حضور دولت در هیئت عامل بانک مرکزی قرار دارند (درخشانی درآبی و محنت‌فر، ۱۳۹۵: ۷۲). همچنین درجه استقلال بانک مرکزی به پاسخگویی قانونی بانک مرکزی نیز بستگی دارد. در این زمینه برداشت‌های متفاوتی در قبال پاسخگویی قانونی بانک مرکزی نسبت به ثبات سطح قیمت‌ها وجود دارد. برخی معتقدند که لزوم پاسخگویی بانک مرکزی در قبال ثبات سطح قیمت‌ها باعث افزایش استقلال بانک مرکزی می‌شود و برخی نظری خلاف این عقیده دارند (کیمبر و واگنر^۸، ۲۰۰۳: ۸).

تدارک نهادهای موفق که از عوامل بنیادین رشد و توسعه اقتصادی به حساب می‌آیند، تحت عنوان "حکمرانی خوب" مطرح می‌شوند (ملکی حسنوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵). دولت قادر است با ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، محیطی مناسب برای تنظیم روابط اقتصادی افراد جامعه به گونه‌ای کم هزینه، ساده و به دور از اتلاف وقت مهیا سازد و به این ترتیب موجبات رشد اقتصادی را فراهم کند. منظور از حکمرانی خوب، اعمال قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری براساس قانون، پاسخگویی و اثربخشی است به گونه‌ای که دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی در فرایندهای سیاست‌گذاری و اجرایی مؤثر باشند. کمیسیون حقوقی سازمان ملل، در قطعنامه شماره ۶/۲۰۰۰ ویژگی‌های حکمرانی خوب را این گونه برشمرده است:

(آرنس^۱، ۲۰۰۹: ۵). برای مثال نحوه انتخاب رئیس بانک مرکزی هم شامل این بخش می‌شود. بخش دوم استقلال این نهاد در اتخاذ اهداف و راهکارهای اقتصادی است، به این معنی که اگر بانک مرکزی تشخیص دهد که باید نرخ بهره را افزایش دهد، دولت نتواند تصمیم او را تغییر دهد. گروهی این دو بخش را استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی نام نهاده‌اند (درخشانی درآبی و محنت‌فر، ۱۳۹۵: ۴۶). البته بعدها دو اقتصاددان به نام‌های دبل^۲ و فیشر^۳ تعریف دیگری هم از استقلال بانک مرکزی ارائه دادند که طبق آن استقلال این نهاد به دو بخش استقلال در تعیین اهداف و استقلال در اتخاذ راهکارها تقسیم می‌شود. به این معنی که بانک مرکزی به طور مستقل تشخیص دهد که برای مثال چه نرخ تورمی مناسب شرایط اقتصادی جامعه است و برای حفظ این نرخ تورم به طور مستقل تصمیم بگیرد که چه سیاست پولی را به کار ببندد (متیو^۴، ۲۰۰۶: ۱۴).

نظریه مدرن استقلال بانک مرکزی بر اهمیت ساختار نهادها و انگیزه‌ها برای سیاست پولی تأکید دارد. بر اساس تعریف گرلی، ماسکیناردو و تابلینی (۱۹۹۱)، استقلال بانک مرکزی به صورت استقلال سیاسی و اقتصادی بانک مرکزی تعریف می‌شود (آلپاندا و هواینگ^۵، ۲۰۱۰: ۱۰۱۱).

استقلال اقتصادی یا ابزاری به صورت توانایی بانک مرکزی در تعیین و استفاده از ابزارهای سیاست پولی به صورت دلخواه و بدون دخالت دولت اشاره دارد. استقلال اقتصادی بانک مرکزی به وسیله التزام بانک مرکزی به تأمین مالی کسری بودجه دولت، نظارت بر بانک‌های تجاری و نبود آزادی برای تعیین نرخ بهره محدود می‌شود (درازی و اسلاوا^۶، ۲۰۰۷: ۴۴). همچنین یکی دیگر از مباحثی که در استقلال اقتصادی بانک مرکزی مورد توجه قرار می‌گیرد پاسخ به این سؤال است که چه کسی (بانک مرکزی یا دولت) مسئول سیاست‌های مربوط به نرخ ارز است. استقلال مالی یکی دیگر از تعاریف مورد استفاده برای استقلال بانک مرکزی است. استقلال مالی در مطالعات مختلف برای بیان دو مفهوم به کار گرفته شده است. در برخی از مطالعات استقلال مالی بیشتر معطوف به

1. Ahrens (2009)
2. Debelle
3. Fischer
4. Mathew (2006)
5. Alpanda & Hoing (2010)
6. Drazen & Eslava (2007)

7. Sherry & Henson (2005)

8. Kimber & Wagner (2003)

از این طریق مانعی بر عملکردهای نهادهای حامی بازار باشد. در این مواقع، دولت به جای اینکه نهادی موافق توسعه باشد، به نهادی ضد توسعه تبدیل می‌شود. بنابراین با ایجاد سازوکارهای قانونی، رفتارهای سودجویانه دولت و انگیزه رفتارهای منفعت‌طلبانه و کوتاه‌مدت دولت‌ها را می‌توان محدود کرد و به ایجاد نهادهای حامی بازار و گسترش حکمرانی خوب کمک کرد (حیدری و علی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۹۴).

ایده استقلال بانک مرکزی یکی از سازوکارهای قانونی طراحی شده برای کنترل انگیزه‌های منفعت‌طلبانه دولت‌ها است. یک بانک مرکزی مستقل می‌تواند مانع دست‌کاری دولت‌ها در کل‌های پولی قبل و بعد از انتخابات شود. همچنین یک بانک مرکزی که از استقلال کافی برخوردار باشد، می‌تواند مانعی برای تحقق انگیزه‌های منفعت‌طلبانه و کوتاه‌نگرانه دولت‌ها در سیاست‌گذاری پولی باشد و از این طریق از اتخاذ سیاست‌هایی که ناسازگاری زمانی^۹ دارند، جلوگیری کند. بنابراین بانک مرکزی مستقل، می‌تواند راهکاری نهادی برای ایجاد نهادهای حامی بازار و گسترش حکمرانی خوب باشد (آگوبا^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷: ۱۳۳).

از طرفی، احترام به قوانین و شفافیت در سیاست‌گذاری از الزامات استقلال بانک مرکزی است. بدین معنی که حتی در صورتی که قوانین مناسب برای تأمین استقلال بانک مرکزی وجود داشته باشد، اما اگر این قوانین به طور کامل اجرا نشود و سازوکار سیاست‌گذاری پولی از شفافیت لازم برخوردار نباشد، ممکن است استقلال واقعی^{۱۱} بانک مرکزی متفاوت از استقلال قانونی^{۱۲} آن باشد (آرنون و روملی^{۱۳}، ۲۰۱۴: ۳۹۲). بنابراین گسترش حکمرانی خوب از طریق افزایش پایبندی به قوانین و شفافیت سازوکارهای دولتی می‌تواند به بهبود وضعیت استقلال بانک مرکزی کمک کنند و انتظار بر این است که رابطه مثبت بین استقلال بانک مرکزی و حکمرانی مطلوب وجود داشته باشد (بودای و هیگاشیجیما^{۱۴}، ۲۰۱۷: ۴۷).

شفافیت^۱، مسئولیت^۲، پاسخ‌گویی^۳، مشارکت^۴، حاکمیت قانون^۵ و انعطاف‌پذیری^۶ (نولیو و ویولتین^۷، ۲۰۱۴: ۴۴۶).

از دهه ۱۹۶۰ آموزه‌های مکتب کینزی برای حل مشکلات اقتصادی کافی نبود و از این رو، در رویکرد نسبت به حضور دولت در اقتصاد تجدید نظر صورت گرفت. از این دهه به بعد، در نظریات اقتصادی بر عدم دخالت دولت در اقتصاد تأکید ایده "دولت کوچک" مطرح گردید. از دهه ۱۹۹۰ شاهد سنتزی نسبت به نگرش حضور دولت در اقتصاد هستیم. در این رویکرد جدید به جای کمیت، تمرکز بر کیفیت حضور دولت در سازوکارهای اقتصادی است و نحوه حکمرانی دولت مورد توجه قرار گرفت (احمدپور، ۱۳۹۷: ۶۷).

ایده جدید که بر کیفیت حضور دولت و نحوه تعامل آن با سایر بازیگران اقتصادی تمرکز دارد، با دیدگاه‌های نهادگرایان^۸ نسبت به توسعه اقتصادی اشتراکات فراوانی دارد. در این ایده، بر نحوه حکمرانی دولت در ایجاد و تقویت نهادهای موافق توسعه تأکید می‌شود. بر این اساس، اگر حکمرانی دولت منجر به گسترش نهادهای حامی بازار و موافق توسعه شود، حکمرانی خوب و شایسته وجود دارد. در این رویکرد دولت این توانایی را دارد تا با ایجاد نهادهای حامی بازار و معاونت توسعه، زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی را فراهم سازند (برادران شرکا و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۷: ۱۹).

در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی رابطه نزدیکی وجود دارد و این امر باعث می‌شود که از امور عمومی به شکل صحیح‌تر و بهینه‌تری بهره‌برداری گردد. وجود رابطه صحیح بین سه رکن یاد شده، زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف میسر می‌سازند. در این میان نقش دولت از اهمیت بیشتری برخوردار است (اسدزاده و جلیلی، ۱۳۹۴: ۶۰). اگر دولت‌ها در صد دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و جلب آرای مردم از طریق سیاست‌های منفعت‌طلبانه باشند عملکرد آنها از نظر اقتصادی در بلندمدت زیان آور و ضد توسعه است. رفتارهای سودجویانه می‌تواند به تضعیف جامعه مدنی و بخش خصوصی بیانجامد و

1. Transparency
2. Responsibility
3. Accountability
4. Participation
5. The Rule of Law
6. flexibility
7. Nolivios & Vuletin (2014)
8. Institutionalists

9. Time Inconsistency

10. Agoba et al. (2017)

11. De facto

12. De jure

13. Arnone & Romelli (2014)

14. Bodea & Hiashijima (2017)

جدول ۱. پیشینه تحقیق

نام محقق	عنوان پژوهش	نتیجه پژوهش
آگوبا و همکاران (۲۰۱۷)	استقلال بانک مرکزی و تورم در کشورهای آفریقایی با توجه به نقش سیستم‌های مالی و حکمرانی خوب	در کشورهای دارای ساختار نهادی مناسب درجه استقلال بانک مرکزی بیشتر بوده و رابطه بین تورم و استقلال بانک مرکزی معکوس می‌باشد.
بودای و هیگاشیجیما (۲۰۱۷)	استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب	بین استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب رابطه معنی‌دار وجود دارد.
کرو و مید ^۱ (۲۰۱۵)	استقلال بانک مرکزی و شفافیت (تکامل و اثربخشی)	نبود استقلال در بانک مرکزی هم موجب می‌شود بانک مرکزی به تمام مصوبات تن دهد و نبود شفافیت و پاسخ‌گویی هم باعث می‌شود تا افراد جامعه در زمان مناسب متوجه نشوند که چه اتفاقی در حال افتادن است و فقط نتیجه را لمس می‌کنند. نتیجه ساختار غلط حکمرانی نهایتاً این‌گونه می‌شود که هم نظام بانکی و هم وضعیت پولی و نقدینگی و تورم دچار مشکلات عدیده شود و کسی هم پاسخگو نیست.
آرنون و روملی (۲۰۱۴)	شاخص‌های استقلال بانک مرکزی و نرخ تورم؛ اکتشاف تجربی جدید	اگر قوانین مناسب برای تأمین استقلال بانک مرکزی به طور کامل اجرا نشود، سازوکار سیاست‌گذاری پولی از شفافیت لازم برخوردار نخواهد بود و منجر به انحراف استقلال واقعی بانک مرکزی از استقلال قانونی آن می‌شود.
هابلشر و مارکورد ^۲ (۲۰۱۲)	نقش نهادهای سیاسی در اثربخشی استقلال بانک مرکزی	استقلال بانک مرکزی در صورتی کارایی لازم را دارد که دو شرط برآورده شود: (۱) تغییر استقلال باید به اندازه کافی بزرگ باشد، و (۲) کیفیت نهادهای سیاسی باید به اندازه کافی بالا باشد.
زروویانی ^۳ و همکاران (۲۰۱۲)	تأثیر استقلال بانک مرکزی بر متغیرهای اقتصاد کلان	استقلال بانک مرکزی اثر معنی‌دار بر تورم، اشتغال و نوسانات تولید ناشی از تکان‌های طرف عرضه دارد
قنبری و محمدی (۱۳۹۶)	سیکل‌های سیاسی پولی و رابطه آن با استقلال بانک مرکزی	قبل از انتخابات، سیاست‌مداران کشورهایی که آبر تورم را تجربه کرده‌اند برای مهار کردن تورم، بانک مرکزی را تحت فشار تغییر سیاست‌های پولی قرار داده و این از میزان استقلال بانک‌های مرکزی کاسته است.
درخشانی درآبی و محنت‌فر (۱۳۹۵)	مطالعه نظری و تجربی رابطه میان استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب	در کشورهای منتخب رابطه مثبت و معنی‌دار بین استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب وجود دارد
فراهانی‌فرد و بایزیدی (۱۳۹۳)	تحلیل مقایسه‌ای مبانی نظری استقلال بانک مرکزی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی	بر اساس نظریه اقتصاد اسلام و دستورالعمل‌هایی که درباره عدالت و تأکید بر حفظ ارزش واحد محاسبه شده، استقلال بانک مرکزی در این نظام ضرورت داشته و می‌توان آن را به‌صورت الگویی عملی ترسیم کرد.
رحم‌زاده (۱۳۸۹)	تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی	در کشورهای در حال توسعه استقلال بانک مرکزی تأثیر منفی و نامعنی‌دار بر مقدار نوسانات رشد اقتصادی دارد ولی در کشورهای توسعه یافته استقلال بانک مرکزی تأثیر منفی و معناداری بر بی‌ثباتی اقتصاد کلان دارد
مجتهد (۱۳۸۹)	بررسی شفافیت، مسئولیت‌پذیری و اطلاع‌رسانی بانک مرکزی ایران	شفافیت، استقلال بانک مرکزی، مسئولیت‌پذیری و اطلاع‌رسانی بانک مرکزی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان در حد متوسط می‌باشد

مأخذ: یافته‌های تحقیق

1. Crowe & Meade (2015)
2. Hielscher & Markwardt (2012)
3. Zervoyianni et al. (2012)

۳- روش‌شناسی

در این تحقیق برای ارتباط استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب دو روش رگرسیونی و ضریب همبستگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در روش رگرسیونی با توجه به مطالعات بودای و هیگاشیجیما (۲۰۱۷)، هایلشر و مارکورد (۲۰۱۲) از مدل رگرسیونی زیر برای اثرگذاری استقلال بانک مرکزی بر حکمرانی خوب استفاده شده است:

$$Gg_t = \beta_0 Gg_{t-1} + \beta_1 MPI_t + \beta_2 PI_t + \beta_3 FI_t + \varepsilon_t$$

در رابطه فوق؛

Gg_t : حکمرانی خوب،

MPI : استقلال سیاست پولی^۱ بانک مرکزی،

PI : استقلال سیاسی^۲ بانک مرکزی و

FI : استقلال مالی^۳ بانک مرکزی می‌باشد.

۳-۱- حکمرانی خوب

در این تحقیق شاخص راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها^۴ ($ICRG$) به عنوان شاخص حکمرانی خوب به کار برده شده است که شامل رتبه‌بندی ۲۲ متغیر در سه زیرگروه مختلف ریسک سیاسی، ریسک مالی و ریسک اقتصادی است. شاخص ریسک سیاسی $ICRG$ مهمترین بخش این شاخص است که از امتیازات و رتبه‌بندی‌های آن به طور گسترده در دیگر شاخص‌های مشهور بین‌المللی مانند «شاخص آزادی اقتصادی فریزر»، «شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج»، «شاخص حکمرانی خوب» بانک جهانی و موارد دیگر استفاده می‌شود (گوهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۳) رتبه‌بندی ریسک سیاسی شامل ۱۲ متغیر سیاسی و اجتماعی است که عبارتند از: ثبات حکومت، شرایط اجتماعی - اقتصادی، ریسک مصادره و عدم برگشت سود سرمایه‌های خارجی، درگیری داخلی، درگیری خارجی، فساد، دخالت نظامیان در سیاست، تنش‌های مذهبی، حاکمیت نظم و قانون، تنش‌های نهادی، پاسخگویی حکومت در برابر مردم و کیفیت دیوان‌سالاری (احمدپور، ۱۳۹۷: ۵۵).

مؤلفه‌های دیگر، «ریسک اقتصادی» و «ریسک مالی» هستند که به شرایط و عملکرد کلی نظام اقتصادی و مالی

مربوط می‌شوند. این مؤلفه‌ها نمی‌تواند به طور کامل از نظام سیاسی یا فرایند سیاسی کشور مجزا باشند. عوامل اقتصادی و مالی که بر این ریسک‌ها اثر می‌گذارند، نتایج سیاست‌های اقتصادی دولت هستند. برای مثال سیاست‌های پولی و مالی که منجر به تورم پایین، بیکاری کم و کسری بودجه پایین می‌شود و سیاست‌هایی که به ثبات مالی کمک می‌کنند، تأثیر مثبت بر ارزیابی ریسک کشوری دارند (گذرد و چریف، ۲۰۱۵: ۱۴۰).

هدف کلی رتبه ریسک اقتصادی، فراهم کردن ابزار ارزیابی قوت‌ها و ضعف‌های اقتصادی فعلی کشور است. کمترین مقدار مؤلفه، عدد صفر و بیشترین مقدار وزن ثابت مؤلفه است. این مؤلفه‌ها شامل تولید ناخالص داخلی سرانه، رشد تولید ناخالص داخلی واقعی، نرخ تورم سالیانه، کسری بودجه دولت نسبت به GDP و تراز حساب جاری نسبت به GDP است. همچنین هدف کلی رتبه ریسک مالی، ارزیابی توانایی کشور در تأمین مالی بدهی‌های تجاری و رسمی کشور است. به منظور ایجاد قابلیت مقایسه میان کشورها، مؤلفه‌ها به صورت نسبت داده‌هایی از اقتصاد هر کشور در نظر گرفته شده‌اند. مؤلفه‌های ریسک مالی عبارتند از: بدهی خارجی نسبت به GDP، بدهی خارجی نسبت به صادرات کالا و خدمات، تراز حساب جاری و نسبت به صادرات کالا و خدمات، نقدبندی خالص در ماه و ثبات نرخ ارز.

شاخص ریسک سیاسی بر پایه ۱۰۰ امتیاز و ریسک مالی و ریسک اقتصادی هر یک بر مبنای ۵۰ امتیاز طراحی شده‌اند. امتیاز این سه شاخص بر عدد دو تقسیم شده است تا وزن آنها در شاخص ریسک مرکب به دست آید. امتیاز شاخص مرکب از صفر تا صد است که در گروه‌هایی از ریسک بسیار پایین (۸۰ تا ۱۰۰ امتیاز) تا ریسک بسیار بالا (۰ تا ۴۹/۹ امتیاز) قرار می‌گیرند.

داده‌های این شاخص از گزارش‌های سالیانه راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها ($ICRG$) استخراج شده است.

۳-۲- استقلال بانک مرکزی

در این پژوهش از شاخص متیو (۲۰۰۶) به عنوان شاخص استقلال بانک مرکزی استفاده شده است. این شاخص، استقلال بانک مرکزی را در سه حوزه استقلال سیاست پولی، استقلال سیاسی یا شخصی و استقلال مالی مورد بررسی قرار داده است. در هر بخش به منظور ارزیابی درجه استقلال

1. Good Governance
2. Monetary Policy Independence
3. Political Independence
4. Financial Independence
5. International Country Risk Guide

حوزه علوم اقتصادی و سیاسی، از روش $2SLS$ استفاده شده است که لازمه استفاده از این روش یافتن متغیر ابزاری مناسب برای رفع مشکل درون‌زا بودن شاخص‌های حکمرانی خوب است. اما این روش با محدودیت‌هایی چون دشوار بودن یافتن متغیرهای ابزاری مناسب و محدود بودن این متغیرها روبه‌رو است. همچنین این روش نمی‌تواند همبستگی بین متغیرهای توضیحی را حل کرده و همخطی را کاهش داده یا از بین ببرد (ندیری و محمدی، ۱۳۹۰: ۹). روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) داده‌های تابلویی پویا از جمله روش‌های مناسب اقتصادسنجی برای حل یا کاهش مشکل درون‌زا بودن شاخص‌های حکمرانی خوب است. یک مدل ساده خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی به شکل زیر نشان داده می‌شود:

(۲)

$$y_{it} = \alpha y_{i,t-1} + \beta X_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it}$$

$$i = 1, 2, \dots, N$$

$$t = 2, 3, \dots, T$$

y_{it} متغیر وابسته، X_{it} بردار متغیرهای توضیحی، μ_i اثرات انفرادی یا ثابت کشورها، ε_{it} نیز جزء اخلاص معادله و t به ترتیب نشانگر کشور و دوره زمانی است. اگر همانند معادله (۱)، متغیر وابسته با مقادیر با وقفه وارد مدل شود، سبب خواهد شد که بین متغیرهای توضیحی (رگرسورها) و جملات اخلاص همبستگی به وجود آید و در نتیجه استفاده از روش حداقل مربعات معمولی نتایج تورش‌دار و ناسازگاری را نشان خواهد داد. μ_i منبع ناسازگاری تخمین‌زن‌هاست که یکی از روش‌های مناسب برای حذف اثرات ثابت و انفرادی کشورها استفاده از روش تفاضل‌گیری مرتبه اول خواهد بود. از آنجا که میانگین μ_i با خودش برابر می‌باشد، در نتیجه تفاضل‌گیری از معادله حذف شده و منبع ناسازگاری تخمین‌زن‌های OLS حذف خواهند شد. پس از تفاضل‌گیری مرتبه اول از معادله (۲) خواهیم داشت:

(۳)

$$\Delta y_{it} = \alpha \Delta y_{i,t-1} + \beta \Delta X_{it} + \Delta \varepsilon_{it}$$

اما تفاضل‌گیری از معادله اولیه، همبستگی غیرقابل اغماضی را بین وقفه متغیر وابسته و جزء خطای تبدیل شده، فراهم می‌آورد (باند، ۲۰۰۲: ۱۳) از این رو لازم است برای برطرف کردن این مشکل از متغیرهای ابزاری در مدل استفاده شود. بنابراین، گشتاورها برای معادله (۳) به صورت زیر تعریف خواهد شد:

گزاره‌هایی مطرح شده است و هر کدام از گزاره‌ها گزینه‌هایی دارند. حداکثر مجموع نمرات گزاره‌های هر بخش برابر ۱۲ است. بنابراین درجه استقلال بانک‌های مرکزی حداکثر برابر ۳۶ خواهد بود.

بخش اول این شاخص که استقلال سیاست پولی است از شش گزاره تشکیل می‌شود. این گزاره‌ها اهداف بیان شده برای سیاست پولی، درجه استقلال بانک مرکزی در انتخاب اهداف، درجه استقلال بانک مرکزی در انتخاب ابزار، تعیین نرخ ارز، تعارض میان سیاست‌ها، و نظارت بر بازارهای مالی را مورد بررسی قرار می‌دهد (متیو، ۲۰۰۶: ۸).

در بخش دوم، استقلال سیاسی یا شخصی بانک مرکزی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش که از شش گزاره تشکیل شده است نحوه عزل و نصب و دوره ریاست بانک مرکزی، نحوه تعیین و دوره فعالیت اعضای هیئت عامل و میزان حضور اعضای دولت در هیئت عامل بانک مرکزی مورد بررسی قرار می‌گیرد (همان).

در بخش سوم استقلال مالی بانک مرکزی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بخش از شش گزاره تشکیل شده است و مواردی از قبیل شرایط وام دادن به دولت، محدودیت‌های موجود در اعطای وام به دولت، طول دوره وام‌ها، نرخ بهره وام‌ها، و در نهایت نحوه فعالیت بانک مرکزی به منظور خرید اوراق قرضه دولت در بازارهای اولیه را در برمی‌گیرد (همان).

با توجه به این که این احتمال وجود دارد که هر یک از شاخص‌های راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها با ملاحظات سیاسی تعیین شوند و در نتیجه ممکن است نتایج از واقعیت انحراف داشته باشد، این پژوهش برای به حداقل رساندن این خطا، از میانگین سه متغیر ریسک سیاسی، ریسک مالی و ریسک اقتصادی به عنوان شاخص حکمرانی خوب استفاده کرده است.

۳-۳- دوره زمانی و روش اقتصادسنجی

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب در دوره زمانی ۱۳۸۱-۱۳۹۴ است. ابتدا به منظور بررسی رابطه میان استقلال بانک مرکزی و شاخص استقلال بانک مرکزی از - روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های تابلویی پویا (GMM) ضریب رابطه میان این دو متغیر برآورد می‌شود. در بیشتر تحقیقات انجام گرفته در

و بر بعد خاصی از ابعاد استقلال تأکید دارند، یکی از اهداف پژوهش، بررسی رابطه میان ابعاد مختلف استقلال بانک مرکزی با شاخص حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن است. بنابراین علاوه بر استفاده از روش رگرسیونی، از ضریب همبستگی و آزمون معنادار بودن ضرایب به دست آمده با استفاده از آزمون t به کار گرفته شده است.

۴- نتایج برآورد مدل

جدول زیر، نتایج اثر ابعاد استقلال بانک مرکزی بر شاخص حکمرانی خوب با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته داده‌های تابلویی پویا (GMM) را نشان می‌دهد که به صورت مرحله به مرحله برآورد گردیده است به گونه‌ای که در هر مرحله از برآورد، یک متغیر مستقل وارد معادله می‌گردد.

بر اساس نتایج حاصل از آزمون سارگان، فرضیه صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری رد می‌شود. لذا متغیرهای ابزاری استفاده شده در برآورد مدل از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد. به عبارت دیگر نتایج آزمون سارگان نشان می‌دهد در تخمین مدل پژوهش، هیچگونه ارتباطی میان اجزای خطا و ابزارهای استفاده شده وجود ندارد و در نتیجه اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شود.

به منظور تعیین مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال از آماره آزمون آرلانو و باند استفاده شده است. بر اساس نتایج جدول شماره (۱)، فرضیه صفر مبنی بر نبود خودهمبستگی در جملات اختلال تقاضاگیری شده رد نشده و بنابراین روش آرلانو و باند روش مناسبی برای برآورد پارامترهای مدل و حذف اثرات ثابت است. به بیان دیگر، با یک مرتبه تقاضاگیری از جملات اختلال، همبستگی سریالی بین اجزای جملات اختلال رفع شده و جملات اختلال تقاضاگیری شده دارای خودهمبستگی مرتبه اول و دوم نیستند. از این رو مدل برآورد شده با تقاضا وقفه‌دار مرتبه اول روش مناسبی برای تخمین مدل بوده و دارای تورش تصریح مدل نمی‌باشد.

نتایج آزمون تحقیق در هر چهار مدل برآوردی نشان می‌دهد حکمرانی خوب، با یک وقفه، بر شاخص‌های حکمرانی خوب، تأثیر مثبت و از نظر آماری نیز در سطح بالایی معنی‌دار است. این تأثیر مثبت و معنی‌دار دلالت بر این دارد که بهبود ریسک‌های مالی، سیاسی و پولی در دوره قبل تأثیر مثبتی بر مقدار شاخص‌های حکمرانی خوب در دوره فعلی دارد. به عنوان مثال ضریب وقفه مرتبه اول شاخص‌های حکمرانی خوب در مدل (۴) که برابر با ۰/۸۳ درصد می‌باشد، بیانگر آن است که

$$E(y_{it-s} \Delta \varepsilon_{it}) = 0 \quad \text{و} \quad s \geq 2; t = 3, 4, \dots, \quad (۴)$$

$$E(X_{it-s} \Delta \varepsilon_{it}) = 0 \quad , \quad s \geq 2; t = 3, 4, \dots, T \quad (۵)$$

برای برآورد پارامترها نیز از متغیرهای ابزاری به صورت زیر استفاده می‌شود:

$$Z_i \quad (۶)$$

$$= \text{diag}(y_{i1}, y_{i2}, \dots, y_{it-2}, X_{i1}, X_{i2}, \dots, X_{it-2})$$

بنابراین برآوردگرهای روش گشتاورهای تعمیم‌یافته که با $\hat{\delta}$ نمایش داده می‌شود به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$\hat{\delta} = (BZA_N ZB)^{-1} BZA_N ZY \quad (۷)$$

پس از برآورد ضرایب، لازم است اعتبار متغیرهای ابزاری از طریق آماره آزمون سارگان بررسی شود. آماره این آزمون به صورت مجانبی دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص است. فرضیه صفر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری است که در صورت رد شدن فرضیه صفر، اعتبار متغیرهای ابزاری بکار گرفته شده تأیید می‌شود. همچنین برای تشخیص اینکه همبستگی سریالی در جزء اختلال‌ها وجود ندارد، آزمون عدم وجود همبستگی سریالی از مرتبه دوم، بر روی باقیمانده‌های معادله دیفرانسیل از مرتبه اول صورت می‌گیرد. زیرا روش تفاضل‌گیری مرتبه اول برای حذف اثرات ثابت در صورتی روش مناسبی است که مرتبه خودهمبستگی جملات اختلال از مرتبه دو نباشد (آرلانو و باند، ۱۹۹۱: ۲۹۰). به کار بردن روش GMM داده‌های تابلویی پویا، مزیت‌هایی همانند لحاظ نمودن ناهمسانی‌های فردی و اطلاعات بیشتر، حذف تورش‌های موجود در رگرسیون‌های مقطعی را داراست که نتیجه آن تخمین‌های دقیق‌تر، با کارایی بالاتر و همخطی کمتر به واسطه استفاده از وقفه متغیر وابسته در GMM خواهد بود. مزیت اصلی تخمین GMM پویا آن است که تمام متغیرهای رگرسیون که همبستگی با جزء اختلال ندارد (از جمله متغیرهای باوقفه و متغیرهای تفاضلی) می‌توانند به طور بالقوه متغیر ابزاری باشند و مشکل درون‌زا بودن متغیرهای حکمرانی خوب حل شود (گرین، ۲۰۰۸: ۱۰).

همچنین از آنجایی که استقلال بانک مرکزی ابعاد مختلفی دارد و صاحب‌نظران هر کدام تعریف متفاوتی از استقلال دارند

1. Arellano & Bond (1991)

2. Greene (2008)

مالی به ترتیب به میزان ۰/۱۲، ۰/۱۰ و ۰/۲۱ درصد موجب کاهش در ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی می‌گردد. بنابراین استقلال بانک مرکزی موجب بهبود حکمرانی خوب می‌گردد. همچنین از آنجایی که استقلال بانک مرکزی ابعاد مختلفی دارد، یکی از اهداف پژوهش، بررسی رابطه میان ابعاد مختلف استقلال بانک مرکزی با شاخص‌های حکمرانی خوب است. بنابراین در جدول شماره (۲) ضریب همبستگی میان ابعاد مختلف استقلال بانک مرکزی با شاخص حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن، ارائه گردیده است.

یک درصد افزایش در بهبود ریسک‌های مالی، سیاسی و پولی دوره قبل منجر به افزایش بهبود ریسک‌های مالی، سیاسی و پولی دوره به میزان ۰/۸۳ درصد می‌شود. نتایج برآورد رابطه میان شاخص‌های استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب نشان می‌دهد هر یک از ابعاد استقلال بانک مرکزی (استقلال سیاست پولی، استقلال سیاسی و استقلال مالی) اثر مثبت (منفی) و معنی‌دار بر حکمرانی خوب (ریسک سیاسی، مالی، اقتصادی) دارد. به عنوان مثال در برآورد شماره (۴)، یک افزایش در استقلال سیاست پولی، استقلال سیاسی و استقلال

جدول ۲. نتایج برآورد رابطه میان شاخص‌های استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب

متغیر	برآورد (۱)	برآورد (۲)	برآورد (۳)	برآورد (۴)	
وقفه مرتبه اول حکمرانی خوب	۰/۸۱ (۰/۰۰)	۰/۸۲ (۰/۰۰)	۰/۸۴ (۰/۰۰)	۰/۸۳ (۰/۰۰)	
استقلال سیاست پولی		-۰/۱۲۱ (۰/۰۰)	-۰/۱۲۴ (۰/۰۰)	-۰/۱۲۳ (۰/۰۰)	
استقلال سیاسی			-۰/۰۹۲ (۰/۰۰)	-۰/۱۰۲ (۰/۰۰)	
استقلال مالی				-۰/۲۱ (۰/۰۰)	
آزمون آرلانو و باند	AR(1)	m-Statistic	-۲/۶۳	-۲/۲۲	
		Prob	۰/۰۱	۰/۰۳	
	AR(2)	m-Statistic	-۰/۷۶	-۰/۱۹	-۰/۵۷
		Prob	۰/۴۵	۰/۸۵	۰/۴۸
آزمون سارگان	J-Statistic			۱۸/۴۲	
	Prob			۰/۷۹	

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج آزمون ضریب همبستگی در جدول (۲) نشان می‌دهد که رابطه معنی‌دار میان شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص‌های استقلال بانک مرکزی وجود دارد به گونه‌ای که با افزایش استقلال بانک مرکزی می‌توان انتظار کاهش در ریسک‌های سیاسی، مالی و اقتصادی را داشت و به عبارت دیگر می‌توان شاهد بهبود شاخص‌های حکمرانی خوب بود. استقلال در سیاست‌گذاری پولی که معطوف به توانایی بانک مرکزی در اتخاذ سیاست پولی و تعیین ابزار و اهداف کل‌های پولی بدون دخالت دولت است، با شاخص‌های حکمرانی خوب (ریسک سیاسی، مالی، اقتصادی)، همبستگی مثبت (منفی) و از نظر آماری معنی‌دار دارد که نشان دهنده این مطلب است که هر چه بانک مرکزی در سیاست‌گذاری پولی

جدول ۳. نتایج برآورد ضریب همبستگی میان شاخص‌های استقلال بانک مرکزی و شاخص‌های حکمرانی خوب

متغیر	استقلال پولی	استقلال سیاسی	استقلال مالی
ریسک سیاسی	-۰/۵۱۱ (۳/۲۸)	-۰/۴۱۵ (۴/۱۹)	-۰/۴۶۳ (۳۶،۲)
ریسک مالی	-۰/۴۸۹ (۲/۵۵)	-۰/۴۳۷ (۳/۰۹)	-۰/۴۸۱ (۲/۶۹)
ریسک اقتصادی	-۰/۴۹۱ (۲/۳۲)	-۰/۴۰۹ (۴/۴۸)	-۰/۵۱۵ (۲/۴۱)

مأخذ: محاسبات تحقیق (اعداد داخل پرانتز بیانگر آماره t بوده و مقدار بحرانی آماره آزمون در سطح اطمینان ۰/۰۵ برابر ۲/۰۶ می‌باشد.)

استقلال بانک مرکزی در وضعیت بهتری قرار داشته باشد. به عبارت دیگر، شرایط مناسب حکمرانی باعث تقویت نهادهایی می‌شود که استقلال بانک مرکزی را تقویت می‌کنند.

در این پژوهش رابطه بین استقلال بانک مرکزی و شاخص‌های حکمرانی خوب با استفاده از روش GMM و ضریب همبستگی طی دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفت. در این تحقیق شاخص راهنمای ریسک بین‌المللی کشورها (ICRG) به عنوان شاخص حکمرانی خوب به کار برده شده است که شامل رتبه‌بندی ۲۲ متغیر در سه زیرگروه مختلف ریسک سیاسی، ریسک مالی و ریسک اقتصادی بوده و از شاخص متیو (۲۰۰۶) به عنوان شاخص استقلال بانک مرکزی استفاده شده است. این شاخص استقلال بانک مرکزی را در سه حوزه استقلال سیاست پولی، استقلال سیاسی و استقلال مالی مورد بررسی قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان داد استقلال بانک مرکزی اثر معنی‌دار بر حکمرانی خوب دارد که همسو با نتایج تحقیقات درخشانی و محنت‌فر (۱۳۹۵) می‌باشد. این اثر معنی‌دار به گونه‌ای می‌باشد که یک افزایش در استقلال سیاست پولی، استقلال سیاسی و استقلال مالی به ترتیب به میزان ۰/۱۲، ۰/۱۰ و ۰/۲۱ درصد موجب کاهش در ریسک سیاسی، مالی و اقتصادی می‌گردد. بنابراین استقلال بانک مرکزی موجب بهبود حکمرانی خوب می‌گردد.

همچنین از آنجایی که استقلال بانک مرکزی ابعاد مختلفی دارد، ضریب همبستگی میان ابعاد مختلف استقلال بانک مرکزی با شاخص‌های حکمرانی خوب نیز مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون ضریب همبستگی نشان داد که رابطه معنی‌دار میان شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص‌های استقلال بانک مرکزی وجود دارد به گونه‌ای که با افزایش استقلال بانک مرکزی می‌توان انتظار کاهش در ریسک‌های سیاسی، مالی و اقتصادی را داشت.

با توجه به اینکه در میان شاخص‌های بانک مرکزی، استقلال بانک مرکزی در امر سیاست‌گذاری پولی دارای همبستگی بیشتری با شاخص‌های حکمرانی خوب است، پیشنهاد می‌شود سازوکارهای قانونی جهت افزایش استقلال بانک مرکزی در سیاست‌گذاری پولی طراحی شود. این سازوکارها به نحوی باشند که بانک مرکزی را در انتخاب ابزارهای پولی و تعیین مقدار هدف برای کل‌های پولی و سایر متغیرهای پولی بدون دخالت دولت، قادر سازد.

استقلال بیشتری داشته باشد و دخالت دولت در این زمینه کمتر باشد، شاخص حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن، وضعیت بهتری خواهند داشت.

استقلال سیاسی بانک مرکزی که معطوف به عزل و نصب رئیس و اعضای هیئت رئیسه بانک مرکزی است رابطه معنی‌دار با هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب دارد. به گونه‌ای که افزایش شاخص استقلال سیاسی بانک مرکزی موجب بهبود حکمرانی خوب (کاهش ریسک) می‌گردد.

استقلال مالی بانک مرکزی، که ناظر به روابط بین بانک مرکزی با دولت و نحوه قرض دادن به دولت است و استفاده دولت از بانک مرکزی برای تأمین کسری بودجه را تشریح می‌کند همبستگی مثبت (منفی) و معنی‌دار با شاخص‌های حکمرانی خوب (ریسک سیاسی، مالی، اقتصادی) دارد. بنابراین در دوره مورد بررسی، افزایش استقلال مالی بانک مرکزی با بهبود وضعیت شاخص حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن همراه بوده است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

اقتصاددانان معتقدند توسعه حکمرانی خوب نقش کلیدی در توسعه اقتصادی کشورها بازی می‌کنند. لذا شناسایی عوامل مؤثر بر کارایی حکمرانی خوب به منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب برای ارتقاء نظام سیاسی و اقتصادی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد؛ چرا که از طریق ارتقاء حکمرانی خوب می‌توان به رشد و پیشرفت اقتصادی رسید. بر اساس نظریات اقتصاددانان نهادگرا، یکی از عوامل مؤثر بر توسعه نهادی، استقلال بانک مرکزی می‌باشد. رابطه دوطرفه میان حکمرانی خوب و استقلال بانک مرکزی وجود دارد. استقلال بانک مرکزی از طریق ایجاد محیط و ساز و کارهای نهادی، می‌تواند به بهبود وضعیت حکمرانی خوب کمک کند. البته باید توجه نمود که به نظر می‌رسد ارتباط میان استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب بیشتر به صورت غیرمستقیم باشد، بدین معنا که استقلال بانک مرکزی از طریق ایجاد ساختارها و ساز و کارهای نهادی، باعث تغییر در متغیرهای دیگری نظیر انضباط مالی دولت، افزایش شفافیت اقتصادی، پاسخگویی و ... می‌شود و این ساز و کارها به بهبود حکمرانی خوب کمک می‌کنند. از طرفی اگر در کشوری سنجه‌های حکمرانی (نظیر پاسخگویی، شفافیت، احترام به قانون، کارایی دولت و ثبات سیاسی) در وضعیت مطلوبی قرار داشته باشند، می‌توان انتظار داشت که

منابع

- احمدپور کچو، علی (۱۳۹۷). "اثر تعاملی کیفیت نهادی و توسعه مالی بر رشد اقتصادی". رساله دکتری، دانشکده اقتصاد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- احمدپور کچو، علی و دهمرده، نظر (۱۳۹۸). "اثر توسعه مالی و کیفیت نهادی بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، دوره ۲۶، شماره ۱۷، ۳۹-۱۷.
- اسدزاده، احمد و جلیلی، زهرا (۱۳۹۴). "کیفیت نهادی و رشد اقتصادی؛ دموکراسی یا حاکمیت قانون؟ (مورد مطالعه گروه کشورهای اسلامی، ۲۰۱۱-۲۰۲۰)". دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دوره ۳، شماره ۱، ۸۲-۵۵.
- برادران شرکا، حمیدرضا و ملک‌الساداتی، سعید (۱۳۸۷). "تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب". نشریه راهبرد، شماره ۴۹، ۳۱-۱۶.
- حیدری، حسن و علی‌نژاد، رقیه (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر متغیر نهادی حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی در هشت کشور بزرگ اسلامی". دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی (دانش و توسعه سابق)، دوره ۲۱، شماره ۵، ۸۹-۱۲۰.
- درخشانی درآبی، کاوه و محنت‌فر، یوسف (۱۳۹۵). "مطالعه نظری و تجربی رابطه میان استقلال بانک مرکزی و حکمرانی خوب". فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء، سال ۴، شماره ۱۰، ۷۰-۴۴.
- رحمانی، تیمور و صادق‌زاده، محمد امین (۱۳۸۹). "تأثیر استقلال بانک مرکزی بر ثبات اقتصادی". فصلنامه علمی پژوهشی پول و اقتصاد، شماره ۶، ۲۳۴-۲۱۳.
- زرین اقبال، حسن؛ جعفری صمیمی، احمد و طهرانچیان، امیرمنصور (۱۳۹۷). "تأثیر استقلال بانک مرکزی بر
- نوسانات تولید و تورم در ایران". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۸، شماره ۳۰، ۵۴-۳۳.
- فراهانی‌فرد، سعید و بایزیدی، رحمان (۱۳۹۳). "تحلیل مقایسه‌ای مبانی نظری استقلال بانک مرکزی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی". فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مالی، سال ۴، شماره ۱، ۷۱-۱۰۶.
- قنبری، میترا و محمدی، تیمور (۱۳۹۶). "سیکل‌های سیاسی پولی و رابطه آن با استقلال بانک مرکزی". نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌های پولی-بانکی، سال ۹، شماره ۳۰، ۵۶۷-۵۴۵.
- گوهری، لیدا؛ کریمی موغاری، زهرا و زروکی، شهریار (۱۳۹۷). "تحلیل اثر تعاملی کیفیت نهادی و توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی: کاربردی از شاخص ترکیبی مالی". فصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های کاربردی اقتصاد، دوره ۵، شماره ۱، ۲۱۲-۱۸۳.
- مجتهد، احمد (۱۳۸۹). "بررسی شفافیت، مسئولیت‌پذیری و اطلاع‌رسانی بانک مرکزی ایران". نشریه علمی پژوهشی پژوهش‌های پولی-بانکی، سال ۲، شماره ۳، ۹۲-۵۷.
- ملکی حسونند، بهزاد؛ جعفری، محمد؛ فتاحی، شهرام و غفاری، هادی (۱۳۹۸). "سازوکار اثرگذاری هم‌زمان حکمرانی خوب و مخارج دولتی بر رشد اقتصادی". فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۹، شماره ۳۴، ۱۱۴-۹۹.
- ندیری، محمد و محمدی، تیمور (۱۳۹۰). "بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا". فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، دوره ۵، شماره ۳، ۲۴-۱.

Agoba, A., Abor, J., Kofi, A. & Aadu, J. (2017). "Central Bank Independence and Inflation in Africa: The Role of Financial Systems and Institutional Quality". *Central Bank Review*, 7(4), 131-146.

Ahrens, J. (2009). "Governance, Institutional Change, and Economic Policy". *European Business School International Journal*, 1(1), 1-45.

Alpanda, S. & Hoing, A. (2010). "Political

Monetary Cycles and a De Facto Ranking of Central Ban Independence". *Journal of Money and Finance*, 29(3), 1003-1023.

Arelano, M. & Bond, S. (1991). "Some Tests of Specification in Panel Data: Montecarlo Evidence and an Application to Employment Equations". *Review of Economics and Statistics*, 58(2), 277-297.

- Arnone, M. & Romelli, D. (2014). "Dynamic Central Bank Independence Indices and Inflation Rate: A New Empirical Exploration". *Journal of Financial Stability*, 9(3), 385-398.
- Bodea, C. & Higashijima, M. (2017). "Central Bank Independence, Good Governance and Fiscal Policy: Can the Central Bank Restrain Deficit Spending?". *British Journal of Political Science*, 47(1), 47-70.
- Bond, R. (2002). "Dynamic Panel Data Model: A Guide to Micro Data Methods and Practice". *The Institute for Fiscal Studies Department of Economics*, 33(3), 1-34.
- Crowe, C. & Meade, E. (2015) "Central Bank Independence and Transparency: Evolution and Effectiveness". *European Journal of Political Economy*, 24(4), 763-777.
- Drazen, A. & Eslava, M. (2007). "Electoral Manipulation via Voter-Friendly Spending: Theory and Evidence". *Journal of Development Economics*, 92(1), 39-52.
- Gazdar, K. & Cherif, M. (2015). "The Quality of Institutions and Financial Development in MENA Countries". *Borsa Istanbul Review*, 15(3), 137-160.
- Greene, W. H. (2008). "Econometric Analysis". *Upper Saddle River*, 1(1), 1-32.
- Hielscher, K. & Markwardt, G. (2012). "The Role of Political Institutions for the Effectiveness of Central Bank Independence". *European Journal of Political Economy*, 28(3), 286-301.
- Kibmer, F. & Wagner, H. (2003). "Central Bank Independence and Macroeconomic Performance". *Central Banking in Eastern Europe*, 1(1), 1-107.
- Mathew, J. (2006). "Measuring Central Bank Independence in Twenty- Five Countries: A New Index of Institutional Quality". *Central Bank of India*, 1(1), 1-58.
- Nolivos, R. & Vuletin, G. (2014). "The Role of Central Bank Independence on Optimal Taxation and Seigniorage". *European Journal of Political Economy*, 34(3), 440-458
- Sherry, A. & Henson, R. K. (2005). "Conducting and Interpreting Canonical Correlation Analysis in Personality Research: A User-Friendly Primer". *Journal of Personality Assessment*, 84(1), 37-48.
- Zervoyianni, A., Anastasiou, A. & Anastasiou, A. (2012). "Does Central Bank Independence Really Matter? Re-assessing the Role of the Independence of Monetary Policy Makers in Macroeconomic outcomes". *The Rimini Center For Economic Analysis*, Working Paper, No WP 13-03.